

یادداشت

زمزمه مذاکره با چین؛ آتش جنگ تجاری خاموش شد؟

مریم علامه زاده

ترامپ گفته است که مذاکرات بسیار خوبی با شی جین پینگ، رئیس جمهور چین داشته است، مذاکراتی در زمینه منازعات اخیر تجاری دو کشور. این صحبت‌های ترامپ چند ساعت قبل از آن عنوان شد که دادستان‌های آمریکایی شرکت فناوری چین را متهم به سرقت اسرار تجاری کنند. این اظهارات مثبت ترامپ در حالی بیان شده‌اند که بن‌بست تجاری بین دو کشور، دیدار برنامہ‌ریزی شده رهبران آنها را تهدید می‌کرد. ترامپ و جین پینگ، قرار است در کنفرانس سران موسوم به G-۲۰، اواخر ماه جاری میلادی (واسط آذر) در بوینس آیرس، دیدار کنند.

ترامپ گفته‌است رهبران دو کشور روز پنجشنبه (دهم آبان ماه) مسائل مختلفی را به صورت تلفنی به بحث گذاشتند. به گفته ترامپ این مسائل شامل منازعات اقتصادی می‌شد که منجر به اخذ میلیارد‌ها دلار تعرفه گمرکی از سوی دو طرف شده و شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران آمریکایی را دچار مشکل کرده‌است. ترامپ در تویییتی که منجر به تحرک بازار سهام آمریکا شد نوشت: مذاکرات همسویا کنفرانس G-۲۰ از آرتین به خوبی پیش می‌رود. لری کادلو، مشاور ارشد تجاری ترامپ، نیز با تأکید بر سخنان مثبت ترامپ، در مصاحبه‌ای از گرم شدن روابط طرفین خبر داد. البته تا زمانی که چین طرحی برای نگرانی‌های تجاری واشنگتن ارائه نکند، به نظر نمی‌رسد که آمریکا به چنین مذاکراتی بر گردد. دولت آمریکا نیز با گوشزد رقابت فناوری دو کشور که منجر به تنش‌های بسیار بین دو اقتصاد بزرگ دنیا شده است، حرف‌های مثبت ترامپ را بدرفه کرد. وزارت دادگستری آمریکا روز پنجشنبه (دهم آبان ماه) با رأی هیأت منصفه در دادگاه عالی شرکت دولتی فوجیان جینوا، شرکتی تایوانی این شرکت بانام میکروالکترونیک متحدوسه شهروند تایوانی را به جرم زدی اسرار تجاری شرکت میکرون تکنولوژی، بزرگ‌ترین شرکت سازنده چیپ‌های مموری محکوم کرد. این محکومیت تنها چند روز پس از آن اتفاق افتاد که وزیر تجارت آمریکا، با اعلام ممنوعیت صادرات و انتقال فناوری آمریکایی به شرکت نیازمند فناوری جینوا، ضربه به تجارتی به این شرکت وارد کرد. جینوا که یک شرکت استارت آپی با سرمایه‌گذاری ۵ میلیارد ۷۰۰ میلیون دلاری متعلق به دارایی‌های دولتی چین است، چیپ‌های خود را می‌سازد و بر اساس برنامه مرکزی چین قرار است صنعت نیمه، رسانه در کلاس جهانی را پایه‌گذاری کند و قصد دارد خود را از وابستگی به فناوری‌های خارجی برهاند.

جف سئزن، وزیر دادگستری آمریکا نیز در همین روز ضمن انتقاد از چین گفت: این فعالیت‌ها نشان می‌دهد که این کشور از توافق خود با دولت اوباما تجاوز کرده‌است. توافقی که بر اساس آن طرفین متعهد شده بودند از حملات سایبری به منظور دزدیدن اسرار شرکت‌ها حمایت نکنند. وی گفت: چین سال ۲۰۱۵ به صراحت عنوان کرد که قصد ندارد شرکت‌های آمریکایی را برای دست‌آوردهای اقتصادی مورد هدف قرار دهد؛ و وعده‌ای که به‌وضوح پایمال شده‌است. نمایندگان شرکت جینوا و سفارت چین در واشنگتن در این مورد اظهار نظری نکردند و وکیل شرکت میکروالکترونیکر متحد نیز از اظهار نظر خودداری کرد. همچنین وزیر دادگستری آمریکا از طرح جدیدی برای مبارزه با دزدی اسرار تجاری، «ر. شوه خاری، لای‌گری غیر قانونی خارجی و توافقات تجاری بانام «طرح چین» خبر داد که در نبود آن سرمایه‌گذاران خارجی به داده‌های حیاتی تجاری برای رقابت با فناوری آمریکا دسترسی داشتند. همچنین سئزن از ایجاد کار گروهی برای قدرت‌دهی به مقامات قضایی در دانشگاه‌های آمریکا خبر داد که وزارت دادگستری مدعی است طرح‌های حزب کمونیست آزادی آکادمیک و فناوری را تهدید می‌کند. گفتنی است منازعات تعرفه‌ای دو کشور اعتراض طرفداران ترامپ را در رقابت‌های انتخابات میان‌دوره‌ای برانگیخته‌است. البته کادلو، اظهارات اخیر ترامپ را فارغ از سیاست دانست و گفت: همه چیز مبتنی بر دیپلماسی بین‌المللی است. آمریکا خواهان یک طرح مذاکراتی پیش از آغاز مذاکرات دائم است اما یکن عنوان کرده که هیچ امتیاز خاصی تا زمان دیدار طرفین ارائه نمی‌دهد.



چرا انتخابات میان دوره آمریکا مهم است

پایانی بر بی‌راهه ترامپ؟



سجاد موسوی راضی

مجله اکونومیست در شماره اخیر خود با انتقاد از قطبی شدن نهادهای قدرت در آمریکا و ایجاد شکاف در کشور، مسیر کنونی آمریکا را بیراهه می‌خواند و اصلاح آن را ملزم به پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات پیش‌رو می‌داند. این مجله در مطلبی با عنوان آمریکای تقسیم شده نوشت: همچنان که به انتخابات میان‌دوره مجلس آمریکا در روز (۲۳ آبان) نزدیک می‌شویم، شکاف نظریات و خشم رأی‌دهندگان روز به روز بیشتر می‌شود. شکافی که در چند دهه اخیر آمریکایی‌ها سابقه بوده است. مثل همیشه کمپین‌های انتخاباتی رقبا به محلی برای تخریب سیاست‌مداران و بستن صفت‌هایی همچون سرکش، احمق و خیانت‌کار به یکدیگر بدل شده است. طرفدار ترامپ برای ۱۴ نفر رقیب وی بمب می‌فرستد و نژادپرستی افراطی

۱۱ پهلوی را در کنیسه‌ای به قتل می‌رساند و بزرگ‌ترین اقدام ضد نژاد سامی را در تاریخ آمریکا رقم می‌زند. سیاست مسموم دولتی، بزرگ‌ترین ضعف آمریکا است؛ چیزی که این کشور را از فعالیت‌های اصلی‌باز داشته است؛ از موضوع مهاجرت گرفت تا رفاه اجتماعی، همه مسائل اعتقاد مردم به دولت و نهادهای آمریکا را فرسوده می‌کند و سوی دموکراسی آمریکا را از نگاه جهانیان، خاموش. انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس آمریکا می‌توانند فرصتی برای جلوگیری از این فرسایش‌ها باشند و قطار سنگین از ریل خارج شده را به مسیر بازگرداند.

هرچند که ترامپ آغازگر این خرابکاری نبوده است، اما او از این روند استقبال کرد و به آن عمق بخشید. در حالی که همه سیاستمداران برای نشان دادن چهره‌ای صادق تلاش می‌کنند،

نظرسنجی شبکه خبر سی‌بی‌اس نشان می‌دهد که تنها ۱۱ درصد از حامیان ترامپ به رسانه‌ها باور دارند، در حالی که ۹۱ درصد از این افراد حرف‌های ترامپ را قبول می‌کنند

حادثه تیراندازی در کنیسه یهودیان، فرصت را برای فشار رسانه‌ها به منظور حمله به دموکرات‌هایی که منتقد وی هستند، غنیمت شمارد. تنها اوست که ایده بالا بردن صدایش را به جای کاهش گستاخی‌هایش را در سر می‌پرواند. این تفرقه‌اندازی بسیار مرگ‌بار است، چرا که وقتی رقبا افراد بدی باشند، مصالحه که اساس سیاست‌های سالم است، بین احزاب سخت بدست می‌آید و تقریباً غیر ممکن می‌شود. ترامپ تنها سیاست‌مدار تفرقه‌افکن

نیست، اما کامل‌ترین آن‌ها است. پیش از آنکه ترامپ انتخاب شود، بیشتر از ۵۰ درصد دموکرات‌ها در نظرسنجی‌ها عنوان کرده بودند که از جمهوری خواهان می‌ترسند، تقریباً نیمی از جمهوری خواهان نیز همین نظر را در مورد دموکرات‌ها داشتند. بعد از آنکه تابستان سال گذشته، یک نماینده جمهوری خواه از سوی فردی دیوانه مورد اثابت گلوله قرار گرفت، دموکرات‌ها عنوان کردند که خشونت ترویج شده در جامعه از سوی جمهوری خواهان عامل این موضوع بوده است؛ در همین حال پس از بمب‌هایی که برای دموکرات‌ها ارسال شد و بعد از تیراندازی به کنیسه یهودیان باز هم رئیس جمهور را مسئول تروریسم داخلی این کشور دانستند.

بستر دموکراسی در آمریکا قوی است، اما نهادهای آن در حال مسموم شدن به سم قطب‌گرایی هستند. کنگره این کشور از دهه ۱۹۹۰ به این سم آلوده شد. رسانه‌ها نیز قربانی حزب‌گرایی به ویژه در دید مخاطبان شده‌اند. نظرسنجی شبکه خبر سی‌بی‌اس نشان می‌دهد که تنها ۱۱ درصد از حامیان ترامپ به رسانه‌ها باور دارند، در حالی که ۹۱ درصد از این افراد حرف‌های ترامپ را قبول می‌کنند. حال دادگاه عالی آمریکا هم از دید همه حزبی شده است. دموکرات‌ها تأیید برت کاونانا به عنوان قاضی دیوان عالی را یک اقدام حزبی می‌دانند، اقدامی که به عقیده دموکرات‌ها یک فرد دروغ‌گو، احتمالاً در مورد یک تجاوز جنسی، را به قدرت رسانده که قادر به ارجحیت قانون بر خزش نیست. در مقابل جمهوری خواهان انتخاب او را پیروزی بر توطئه دموکرات‌ها به منظور به زیر کشیدن یک انسان نجیب، می‌دانند. حالا باید چکار کرد؟ همچنان که سیاست‌مداران آمریکا

زبان ترامپ آنقدر چرب است که بسیاری از حامیان او حرف‌هایش را بر منتقدان، هرچقدر هم که این انتقادات مستدل باشد، ترجیح می‌دهند، به ویژه انتقاداتی که از رسانه‌ها منتشر می‌شود

یک‌شبه ظاهر نشده‌اند، اصلاح این روند نیز به گام‌های کوچک وابسته است، انتخابات هفته آتی می‌تواند اولین قدم باشد و اولین گام برای مجلس، انتقال قدرت به دموکرات‌ها است. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که کنگره باید بر ترامپ نظارت داشته باشد. او اقداماتی انجام داده که استانداردهای پیشین آمریکا را زیر سوال برده است، عدم پرداخت مالیات، تداخل تجارت‌های شخصی با دولتی یا قلدری برای مقامات و نهادها باید از سوی کنگره مورد نظارت قرار گیرد؛ اما نمایندگان جمهوری خواه در اینکار شکست خوردند. شکست جمهوری خواهان در مجلس نمایندگان می‌تواند انگیزه‌ای برای این حزب باشد تا برای جانشینی ترامپ و مشی او تلاش کنند. اگر این شکست سنا هم اتفاق بیوفتد که این انگیزه بیشتر می‌شود؛ البته احتمال آن ضعیف است؛ اما اگر این شکست حاصل نشود، ترامپ همچنان در جایگاه حزبی‌اش تثبیت می‌شود. هر چند که قرار نیست سیاست‌های آمریکادر یک انتخابات متحول شود، اما حداقل می‌توان انتظار تحول حزب جمهوری خواه را با رئیس‌جمهوری متفاوت با منشی متفاوت داشت. اما این نتیجه انتخابات هفته آتی است که مسیر را مشخص می‌کند.



نماد تنفر این حزب بوده است. شعار آلمانی "Merkel muss weg" یا مرکل باید برود، همواره در طول سالیان شعار کمپین‌های این حزب بوده و قرار بود در سه دوره انتخابات ایالتی سال آینده آلمان نیز از آن بهره ببرند. رهبر آتی حزب CDU اگر فردی محافظه‌کار تا از مرکل باشد، می‌تواند رأی دهندگان ناراضی را اندکی آرام کند و این برای حزب AfD همچون کابوس است.

آیا مرکل صدر اعظم می‌ماند؟

این مسئله بستگی به رهبر آینده حزب دارد که بتواند با مرکل کار کند یا خیر و همچنین حزب ائتلافی SPD نیز باید با او کنار بیاید که اگر رهبر آتی راست‌گرا باشد، این مسئله بعید است. در همین حال در بیرون از آلمان، لیبرال‌ها در سوگو از دست دادن «هر جهان آزاد» نشسته‌اند، عنوانی که مرکل هیچگاه آن را دوست نداشت. هر چند که سیاست خارجی آلمان فرای افراد است، اما جای خالی مرکل به عنوان یک مذاکره کننده کهنه‌کار و قهار که قادر به چسباندن دست‌ها به یکدیگر بود، حتماً حس می‌شود.

موضوعاتی همچون مسئله مهاجرت، دیدگاه‌های کاملاً متناقض دارند و بر همین اساس در ایالت هسن حامیان حزب CDU به طور مساوی بین دو حزب سبزها و AfD تقسیم شدند. حالا جانشین خانم مرکل باید تصمیم بگیرد که خطی مشی حزب را چطور بچیند؛ همچون مرکل راه میانه را در پیش بگیرد و آرای بیشتری را به حزب AfD ببازد؟ یا آنکه مسیر محافظه‌کارانه‌تری را در پیش بگیرد و ریسک مهاجرت لیبرال‌ها را به سمت حزب سبزها به جان بخرد؟ در ماه دسامبر (آذر -دی)، نمایندگان حزب CDU در کنفرانس خود در شهر هاننبورگ به این سوال پاسخ می‌دهند؛ کنفرانسی که قرار است در آن رهبر حزب مشخص شود، کسی که احتمالاً صدر اعظم انتخابی آتی حزب خواهد بود.

رقابت آغاز شد

تاکنون سه کاندیدا به طور مشخص برای رهبری حزب اعلام حضور کرده‌اند. هر فردی که در این بین قدرت را در دست گیرد، برای AfD خبر بدی است. مرکل همیشه